

قرآن به مثابه سند تاریخی در مقابل متن مقدس

تحلیلی از مجموعه «قرآن مورخان»

۲۳۹-۲۵۷

چکیده: قرآن پژوهی یکی از موضوعاتی است که اقبال خاورشناسان را به خود جلب کرده است و چند دهه گذشته شاهد تولید مجموعه‌های بسیاری از جمله دایرةالمعارف‌ها و کتاب‌های تخصصی در این زمینه هستیم. رویکردهای خاورشناسان به قرآن پژوهی متفاوت بوده اما تاکنون شاهد مجموعه مدونی که با رویکرد تاریخی در معنای تخصصی خودش نبوده‌ایم. اواخر سال میلادی گذشته، مجموعه «قرآن مورخان» به سرپرستی محمدعلی امیرمعزی و گیوم دی با رویکردی تاریخی منتشر شد و در حال حاضر تنها اثر برجسته قرآن پژوهی معاصر به شمار می‌رود که به کل قرآن کریم با رویکرد مذکور پرداخته است. اهمیت این اثر از آن رو است که جمعی از متخصصان میان‌رشته‌ای گرد هم آمدند تا با چنین رویکردی به تحلیل و بررسی زمینه‌های مختلف قرآنی بپردازند. این اثر در سه مجلد منتشر شده و در حال حاضر در محافل مختلف علمی جهان مورد توجه قرار گرفته است. این مقاله به تحلیل ابعاد مختلف مجموعه «قرآن مورخان» پرداخته و موضوعات مطروحه آن را تبیین کرده است.

An Analysis of the Handbook of « the Quran of Historians»

Muhammad Ba'azm

Abstract: Quranic research is one of the topics that has attracted the attention of orientalists, and the last few decades have seen the production of many collections, including encyclopedias and specialized books in this field. Orientalists' approaches to the Qur'an have been different, but so far we have not seen a codified collection with a historical approach in its specialized sense. Late last year, the collection of "the Quran of Historians" under the supervision of Mohammad Ali Amir Moazi and Guillaume Di was published with a historical approach and is currently the only outstanding work of the contemporary Qur'anic research that has dealt with the entire Holy Qur'an with this approach. The importance of this work is due to the fact that a group of interdisciplinary experts came together to analyze and study various Qur'anic fields with such an approach. This work has been published in three volumes and is currently being considered in various scientific circles around the world. This article analyzes the various dimensions of the collection and explains the issues posed in it.

القرآن باعتباره سنداً تاريخياً في مقابل النص المقدس
دراسة تحليلية عن موسوعة (مؤرخي القرآن)
محمد باعزم

الخلاصة: كانت البحوث القرآنية واحدة من المواضيع التي جلبت اهتمام المستشرقين إليها، وشهدت العقود الماضية صدور الكثير من المجموعات التي تنوعت بين دوائر المعارف (الموسوعات) والكتب المتخصصة في هذا المجال.

وقد تنوعت أساليب ومسالك المستشرقين في بحوثهم القرآنية، لكننا لم نشاهد حتى الآن مجموعة مدونة بأسلوب تاريخي في معناه التخصصي. إلا أن أواخر السنة الميلادية الماضية شهدت صدور مجموعة امتازت بمسلكها التاريخي، وهي مجموعة قرآن مؤرخان (= مؤرخي القرآن) بإشراف محمد علي أمير معزّي وغيوم دي، وهي الآن تعتبر النتاج الوحيد البارز من البحوث القرآنية المعاصرة التي بحثت في كل القرآن الكريم بالأسلوب الذي أشرنا إليه.

وتكمن أهمية هذا الأثر في مساهمة مجموعة من المتخصصين في الفروع المختلفة ومعاودة بعضهم للبعض الآخر في تحليل وبحث الجوانب القرآنية المختلفة من خلال هذا المسلك.

وقد صدر هذا الأثر في ثلاث مجلدات، حظيت باهتمام المحافل العلمية العالمية المختلفة في الوقت الحاضر.

وهذه المقالة تتولى تحليل الأبعاد المختلفة لمجموعة قرآن مؤرخان (مؤرخي القرآن)، مع سعيها لبيان المواضيع المطروحة فيها.

مقدمه

برای نخستین بار در جهان، با مشارکت سی تن^۱ از پژوهشگران تاریخ ادیان به سرپرستی محمد علی امیرمعزی، استاد دانش سرای کاربردی مطالعات عالی فرانسه^۲ و گیوم دی، استاد اسلام شناسی دانشگاه آزاد بروکسل فعالیتی آغاز شد که به عقیده آنها لازم بود از متن مقدس اسلام با همان شیوه که با کتاب مقدس تعامل شده است، خوانشی انتقادی ارائه شود. به باور آنان متن قرآن در معرض خطر متعصبانی است که از هرگونه خوانش انتقادی خودداری می کنند. بنابراین نویسندگان این مجموعه تلاش کرده اند تا با بازگرداندن محتوای متن قرآن به بافت تاریخی، جغرافیایی و دینی زمان نزول، هر یک از ۱۱۴ سوره قرآن را با جزئیات بسیار تجزیه و تحلیل کنند.

به طور کلی هدف اصلی محققان این مجموعه ارائه خوانشی جدید، تحلیلی ضروری و روشنگرانه بود

۱. اسامی این پژوهشگران عبارتند از:

- Mohammad Ali Amir-Moezzi (EPHE).
Mehdi Azaiez (Université de Lorraine/KU Leuven).
Samra Élodie Azarnouche (EPHE).
Meir M. Bar-Asher (Université Hébraïque de Jérusalem).
Mette Bjerregaard Mortensen (Université Libre de Bruxelles).
Anne-Sylvie Boisliveau (Université de Strasbourg).
Antoine Borrut (Université du Maryland).
Éléonore Cellard (EPHE).
Muriel Debié (EPHE).
Julien Decharneau (Université Libre de Bruxelles).
François Déroche (Collège de France).
Vincent Déroche (EPHE).
Guillaume Dye (Université Libre de Bruxelles).
Frantz Grenet (Collège de France).
David Hamidovic (Université de Lausanne).
Frédéric Imbert (Université Aix-Marseille).
Christelle Jullien (CNRS).
Manfred Kropp (Université de Mayence).
Paul Neuenkirchen (EPHE).
Karl-Friedrich Pohlmann (Université de Münster).
David S. Powers (Université de Cornell).
Gabriel Said Reynolds (Université de Notre Dame, USA).
Christian Julien Robin (CNRS).
Carlos A. Segovia (Université de Saint Louis de Madrid).
Stephen J. Shoemaker (Université d'Oregon).
Michel Tardieu (Collège de France).
Tommaso Tesi (Institute for Advanced Studies de Princeton).
Jan M. F. Van Reeth (Faculté des sciences).
2. EPHE: École pratique des hautes études.

که به واسطه آن نشان می‌داد می‌توان ریشه‌های متن مقدس اسلام را در متون پیشین یهودی و مسیحی (از جمله در سطح واژگان آن) پی‌جویی کرد. همچنین به دنبال آن بودند تا نشان دهند متن مقدس اسلام در گذر زمان و پس از حیات پیامبر دستخوش تغییراتی شده است. بنابراین گامی به پیش نهاده و تحلیلی ارائه دادند که چگونه پیام قرآن پس از رحلت پیامبر (ص) توسط گروه‌های مختلف، رنگ و بوی مذهبی، سیاسی و نظامی به خود گرفت و در راستای توجیه فتوحات، یورش‌ها و قتل‌عام‌های آنان به کار گرفته شد.

نتیجه این فعالیت انتشار کتابی با نام قرآن مورخان^۳ شد که مدعی است متن مقدس اسلام را مبتنی بر روش شناسی خاص قابل درک و فهم می‌کند. نگارش اثری متمرکز بر قرآن کریم با رویکرد تاریخی - انتقادی^۴ در بررسی ۱۱۴ سوره قرآن به زبان فرانسه بی‌سابقه بوده و از این رو اثری نو و شایسته توجه به شمار می‌رود. این کتاب در اصل چهار مجلد است که سه مجلد آن به صورت کاغذی چاپ شده و در دسترس پژوهشگران قرار گرفته است و جلد چهارم که اطلاعات کتاب‌شناختی و منابع تحقیقات مرتبط با این حوزه را دربردارد، به صورت آنلاین در بازه زمانی متفاوت به روزرسانی و منتشر خواهد شد.

امیرمعزی در مصاحبه‌های مختلف درباره ایده اولیه این اثر چنین بیان می‌کند که ناشر^۵ این مجموعه از وی درخواست کرده تا ترجمه جدیدی از قرآن کریم به زبان فرانسوی تهیه کند و امیرمعزی با اقبال وی مبنی بر اینکه ترجمه‌های فرانسوی مقبولی از قرآن وجود دارد، ایده توسعه مطالعات قرآنی به زبان فرانسوی مبتنی بر رویکرد تاریخی - انتقادی را مطرح می‌کند و پس از ۵ سال تحقیق و پژوهش این اثر منتشر می‌شود. روش انتقادی - تاریخی که از قرن هجدهم در مطالعات کتاب مقدس یهودیان و مسیحیان رواج یافت، ابزاری در دست دانشمندان بود تا «معنای تاریخی متن» را کشف کنند. آنان با توجه به گسست‌های ساختاری و محتوایی در متن، یکپارچگی آن را زیر سؤال می‌بردند و می‌کوشیدند منابع گوناگون متن پیش روی خود را کشف کنند و آن را در بستر تاریخی‌اش قرار دهند.

به باور سرویراستاران این مجموعه، با وجود تحقیقات بسیاری که درباره قرآن در دنیا انجام شده است، این تحقیقات نسبت به آنچه در ایران و تونس انجام می‌شود بسیار اندک است و سهم بسیار کمی از این پژوهش‌ها توانسته قرآن را در دنیا معرفی کند و قرآن همچنان در دنیا کمتر شناخته شده است. آنان معتقدند حتی مقامات عالی‌رتبه مسلمان نسبت به معرفی قرآن یا فعالیت اندک دارند یا در این زمینه هیچ علاقه‌ای از خود نشان نمی‌دهند یا پژوهش‌های قرآنی در سطح نخبگان باقی مانده و در دسترس عموم قرار نگرفته است، در حالی که ابعاد ناشناخته‌ای از قرآن همچنان برای مخاطبان عمومی وجود دارد.

3. Le Coran des historiens.

4. Historical - critical approach.

5. CERF.

امیرمعزی در مصاحبه‌های مختلف^۶ خود متذکر می‌شود که در طراحی این مجموعه و انتشار آن تردیدهایی داشته است. او بیان می‌کند که سرویراستاران این مجموعه در آغاز کار با دو چالش جدی مواجه بوده‌اند:

نیاز به یک تیم بین‌المللی از دانشمندان متخصص این حوزه از اصلی‌ترین چالش‌های پیش روی آنان بوده است که پیچیدگی‌های متن قرآن باعث می‌شده که گردآوری مجموعه‌ای از محققان حوزه‌های مختلف دانشی که غالباً جدا از هم هستند، گرد هم آمده و تلاش کنند تا یک متن ظاهراً مبهم، پرکاربرد و پیچیده را برای مخاطب قابل درک کنند.

گردآوری مجموعه‌ای از مباحث منسجم تفسیری از کل قرآن دیگر چالش پیش روی آنان بوده که دستیابی به آن در گرو فعالیت‌های دقیق و علمی نویسندگان این مجموعه بوده است. این بیم نیز در سرویراستاران وجود داشته است که تولید چنین اثری می‌تواند خشم محافل بنیادگرایانه و سلفی را برانگیزد و آن را یک خطر برای خود تلقی کنند؛ زیرا آنچه در این اثر مشاهده می‌شود، تحقیقی است که قرآن را به یک سند تاریخی نزدیک و از قرآن مؤمنان به قرآن مورخان مبدل کرده است.

نگاه مختلف نویسندگان این مجموعه درباره ماهیت قرآن کریم نیز از نکات قابل توجه این اثر است. برای نمونه به باور گیوم دی یکی دیگر از سرویراستاران اثر، از منظر اعتقاد اسلامی قرآن همان کلام خداست؛ متنی الهی که بین ۶۱۰ تا ۶۳۲ م بر پیامبر اسلام (ص) نازل شده است، اما از منظر بخشی از تاریخ‌نگاری‌های غربی، قرآن کریم بازتاب موعظه‌های نبوی در مکه و مدینه است که پس از رحلت ایشان به عنوان متنی جزئی و ناهمگن در نیمه دوم قرن دوم به عنوان «کتاب مقدس مسلمانان» جمع‌آوری شده است. از سوی دیگر گیوم دی معتقد است که قرآن یک متن کلاسیک قرن هفتم میلادی است و در بافت تاریخی خاص خود پدید آمده است که فضای آن در ذهنیت مردم اروپای معاصر نمی‌گنجد و از این منظر و با ذهنیت معاصر، برخی دوگانه‌ها و تناقض‌ها از متن قرآن قابل برداشت است.

همچنین نویسندگان این مجموعه بر این باورند که قرآن با متون پیش از خود ارتباط دارد و در پیوند با آنهاست. برای نمونه موریل دُپیه^۷ از متخصصان مطالعات سریانی، تاریخ دین و فرهنگ، تاریخ انتقال متون، فلسفه، جوامع مسیحی در اواخر دوران باستان و تعاملات مذهبی و هویت جامعه بر این باور است که قرآن با متون پیش از خود در ارتباط است، اما چگونگی پیوندهای قرآن با عهد قدیم یا عهد جدید کاملاً پیچیده است و این پیچیدگی زمانی دوچندان می‌شود که در قرآن تنها برخی از گزارش‌های پراکنده از این پیوند قابل ردیابی است. او بر این باور است که می‌توانیم یک تحلیل متنی

۶. برای نمونه رک به: مصاحبه‌های امیرمعزی با مجله فیگارو و سخنرانی‌های او در دانشگاه استراسبورگ.

انجام دهیم تا نشان دهیم که چگونه عناصر خاصی از قرآن، متون گذشته را با خود به همراه می‌آورد و می‌توان تعداد مشخصی از این عناصر را برجسته کرد. حضور انبیا در عهد عتیق که در قرآن نیز نقش بسیار مهمی برای آنان ذکر شده است یا شباهت و نزدیکی برخی از احکام اسلامی مانند ذبح و حجاب یا برخی از عناصر آخرالزمانی در عهد جدید، نمونه‌هایی از پیوند میان قرآن با کتاب مقدس را نشان می‌دهد.

ساختار مجموعه

محتوای موجود در این مجموعه به شکل زیر قابل طبقه‌بندی است:
جلد اول به قرآن و چگونگی پیدایش اسلام، محتوای تاریخی و جغرافیایی^۸ آن اختصاص دارد. در این مجلد همچنین مطالعاتی درباره بافت^۹ و پیدایش^{۱۰} قرآن کریم ارائه شده که مشتمل بر ۲ پژوهش تاریخی در سه بخش است.

در مجلد نخست مقالات مهمی از جمله «عربستان پیش از اسلام»^{۱۱} به قلم کریستیان رُبن، متخصص کتیبه‌های باستانی با تمرکز بر تاریخ عربستان پیش از اسلام و عضو فرهنگستان کتیبه‌شناسی و زبان‌های باستانی فرانسه، «اعراب و ایرانیان قبل و صدر اسلام»^{۱۲} به قلم سمرا آذرنوش، «حیات‌های محمد (ص)»^{۱۳} به قلم استفان شومیکر^{۱۳} و «از عربستان تا امپراتوری: فتح و ایجاد خلافت در صدر اسلام»^{۱۴} به قلم آنتوان بورو^{۱۴} قابل مشاهده است.

پرداختن به تاریخ عربستان پیش از اسلام که در گفتمان ما به «جاهلیت» موسوم شده، یکی از ویژگی‌های بارز این بخش است. مورخان این مجموعه تصور سنتی و عمومی از جهالت را برهم زده و انزوای توأم با بت‌پرستی و عدم آشنایی آنان با ادیان توحیدی مجاور را به نحو دیگری به نمایش گذاشته‌اند. آنان بر این باورند که این تصور سنتی چندان درست نیست و عربستان پیش از اسلام خالی از تعاملات فرهنگی و اجتماعی با مناطق پیرامونی که عموماً ادیان توحیدی داشته‌اند نبوده و عربستان آن زمان را یک محیط چندبُعدی از منظر دینی، فرهنگی و اجتماعی با حضور گسترده ادیان توحیدی معرفی و برای آن مستندات قوی تاریخی ارائه می‌کند.

بخش دوم این مجلد به قرآن در پیوند با متون مقدس پیش از خود اختصاص دارد و مقالاتی به شرح

8. LE CORAN ET LES DÉBUTS DE L'ISLAM: CONTEXTE HISTORIQUE ET GÉOGRAPHIQUE.

9. le contexte.

10. la genèse.

11. L'Arabie préislamique.

12. Arabes et Iraniens avant et au début de l'islam. Aperçu de quelques zones de contact et de conflit.

13. Stephen J. Shoemaker.

14. Antoine Borrut.

زیر به چشم می خورد: «یهودیت و قرآن»^{۱۵} به قلم بار آشر که به شکل خاص به توصیف یهودیت و یهودیان در قرآن پرداخته است، «جوامع مذهبی در امپراتوری بیزانس در آستانه فتوحات عرب»^{۱۶} به قلم موریل دُبیبه و وِنسان دُروش، «یهودیان»^{۱۷} و «مسیحیان در ایران دوره ساسانی»^{۱۸} به قلم کریستل ژولیان، «مسیحیت اتیوپی» به قلم مانفرد کروپ و گیوم دی، «جریانات یهودی و مسیحی و مسیحیان شرقی باستان» به قلم ژان وِن ریث از جمله تلاش های انجام شده در این مجموعه است که به فضای «مسیحیت» همزمان با پیدایش دین اسلام به عنوان بخش بزرگی از این اثرا اختصاص یافته و تحلیلی از دو گروه مسیحی بزرگ آن دوره، یعنی مسیحیان ساسانی در ایران و مسیحیان اتیوپی (حبشه) ارائه شده است، «آئین مانوی»^{۱۹} به قلم میشل تاردیو، مدیر سابق دانشسرای کاربردی مطالعات عالی، «مکتوبات آپوکریفای یهود و قرآن»^{۲۰} به قلم دیوید حمیدویچ، معاون فعلی دانشکده الهیات لوزان، «آخرالزمان سریانی»^{۲۱} به قلم موریل دُبیبه، «آخرالزمان ایرانی»^{۲۲} به قلم فرانتز گرونه و «قرآن و محیط فقهی آن»^{۲۳} به قلم دیوید پاورز.

بخش سوم این مجلد به مصحف قرآنی^{۲۴} اختصاص دارد. در سال های اخیر نظریه های گوناگونی درباره تفسیر و معانی قرآن ارائه شده است، در حالی که برخی از رویکردها به دنبال اکتشافات جدید با رنگ و بوی پایپولوژیکی، باستان شناختی و اپیگرافی هستند. مقالاتی همچون «بررسی نسخه های خطی قرآنی در غرب»^{۲۵} به قلم فرانسوا دروش، «نسخ خطی باستانی قرآن»^{۲۶} به قلم الیونور سلار، «سنگ نبشته های قرآنی»^{۲۷} به قلم فردریک آمبرت، «مصحف قرآنی: بافت و ساختار»^{۲۸} و «مصحف قرآنی: پژوهشی پیرامون رسمیت یافتن قرآن»^{۲۹} به قلم گیوم دی و «تشیع و قرآن»^{۳۰} به قلم محمد علی امیرمعزی قابل دسترسی است.

15. Le judaïsme et le Coran.

16. Les communautés religieuses dans l'Empire byzantin à la veille de la conquête arabe.

17. Les Juifs.

18. Les chrétiens en Iran sassanide.

19. Le manichéisme: recherches actuelles.

20. Les écrits apocryphes juifs.

آپوکریفا در اصطلاح به کتاب هایی باستانی با محتوای یهودی و مسیحی گفته می شود که برخی از گروه های یهودیت، کاتولیک، ارتدکس و پروتستان آنها را نیمه شرعی نامیده اند.

21. Les apocalypses syriaques.

22. L'apocalyptique iranienne.

23. Le Coran et son environnement légal.

24. Le corpus coranique.

25. L'étude des manuscrits coraniques en Occident.

26. Les manuscrits coraniques anciens. Aperçu des matériaux et présentation des outils d'analyse.

27. Le Coran des pierres.

28. Le corpus coranique: contexte et composition.

29. Le corpus coranique. Questions autour de sa canonisation.

30. Le shi'isme et le Coran.

جلد دوم و سوم به تفسیر و تحلیل ۱۱۴ سوره قرآن پرداخته است و به عنوان طولانی‌ترین بخش این مجموعه (تقریباً ۲۴۰۰ صفحه کاغذی) تفسیری پیوسته از سوره‌های قرآن کریم ارائه می‌کند که برخی از آنها بسیار کوتاه و برخی دیگر طولانی‌تر هستند. این بخش با یک مقدمه ده صفحه‌ای به قلم محمدعلی امیرمعزی و گیوم دی آغاز و تفسیری ترتیبی از سوره‌های قرآن کریم ارائه می‌کند. در میان نویسندگان این بخش، اسامی افرادی نام‌آشنا همچون گابریل سعید رینولدز و آن سیلوی بوالیوو به چشم می‌خورد.

جلد چهارم کتاب شناسی مطالعات قرآنی را عرضه می‌کند و بر اساس نظر سرپرستان علمی، این جلد به «تهیه فهرستی تا حد امکان جامع» از مطالعات علمی (مقالات، کتاب‌ها و فعالیت‌های جمعی) اختصاص دارد که برگرفته از محتوا و نظرات محققان این حوزه از قرن نوزدهم تا امروز است و به صورت آنالین به روزرسانی می‌شود.^{۳۱}

با وجود گسترش تحقیقات تاریخی درباره قرآن کریم به عنوان متن مقدس مسلمانان از قرن نوزدهم میلادی تا امروز، نتایج تحقیقات این حوزه در حلقه‌ای از متخصصان اسلام‌شناس محدود شده، اما هدف این مجموعه آن است تا از این چارچوب رها شود و نتایج تحقیقات خود را به منظر مخاطبان عمومی نیز برساند. همان‌طور که سرپرستان این اثر در دیباچه نوشته‌اند، این کتاب تنها مجموعه مشتمل بر تفسیر کامل قرآن با رویکرد فیلولوژیک و تاریخی به زبان فرانسه است و نمونه مشابهی ندارد. اهمیت این اثر را از زوایا و ابعاد گوناگون می‌توان تحلیل و بررسی کرد که پرداختن به آن می‌تواند افق‌های جدید درباره قرآن کریم را در پیش روی پژوهشگران بگشاید. از نکات مهم درباره این مجموعه آن است که سرویستاران تلاش کرده‌اند تا نظرات و آرا تفسیری محققان اعم از مسلمان و غیرمسلمان درباره قرآن کریم را با به‌کارگیری ادبیات مناسب و قابل فهم به صورت یک اثر پژوهشی درخور گرد آورند. همچنین تلاش کرده‌اند تا این اثر، زمینه‌ساز انجام تحقیقات نوین در حوزه قرآن پژوهی معاصر واقع شود. از سوی دیگر گردآوری منابع مورد استفاده در پژوهش‌های این گروه می‌تواند دسترسی پژوهشگران به حجم قابل توجهی از منابع را فراهم کند و از این منظر نیز امکان کاوش در منابع کمتر مورد توجه قرار گرفته را میسر گرداند.

روش شناسی قرآن مورخان

به باور امیرمعزی با توجه به اینکه متن قرآن یک متن غنی، پیچیده و متنوع است، به ترکیب چندین کارشناسی علمی نیاز بود تا بتوان از خلال دانش آنان، بافت تاریخی حیات پیامبر(ص) را درک کرد. در همین راستا به مورخان نیاز بود که بتوانند بی‌زانس، ایران و اتیوپی را به خوبی بشناسند و با یهودیت، مسیحیت، زرتشت و آئین مانوی و حتی دینداران بادیه‌نشین آشنا باشند.

۳۱. این بخش در اینترنت منتشر می‌شود تا به راحتی امکان به‌روزرسانی منظم فراهم شود.

از سوی دیگر نیاز بود تا جغرافی دانانی آگاه پیدا شوند که شبه جزیره عربستان^{۳۲} را به خوبی بشناسند و جایگاه دقیق آن را در خاورمیانه روشن کنند. همچنین نیاز بود تا حقوق دانانی که در زمینه فقه و حقوق شهروندی فعالیت می کنند شناسایی شوند. نیز بایستی مجموعه ای از الهی دانان آگاه از آموزه های مسیحیت شرقی، آشوری، قبطی و ... در این مجموعه یاری رسان باشند. انسان شناسان گروه دیگری بودند که نیاز به آنان ضروری بود تا با آگاهی از دانش زبان های باستانی از جمله آرامی و سریانی به این مجموعه پیوندند. اپی گرافیست ها که در خوانش کتیبه ها تخصص دارند و متخصص رمزشناسی هستند، گروه دیگری بودند که می توانستند زنجیره ای از دست نوشته های موجود در این منطقه را برای مخاطب امروزی تبیین کنند.

این مجموعه از محققان بر اساس یک روش خاص تحقیقات خود را توسعه می دادند. روش به کار رفته در سرتاسر این اثر تاریخی، انتقادی است. این روش از نیمه اول قرن نوزدهم در هایدلبرگ و فراپورگ آغاز شد. منشأ این اندیشه، وجود موازی محتوایی از یهودیت و مسیحیت در قرآن بود. سپس در دهه ۱۹۷۰ این مطالعات به ویژه در کمبریج و آکسفورد شتاب گرفت. بر مبنای این روش، مطالعه قرآن فرادست بوده و به دنبال آن است تا با پیوند دادن فرهنگ های پیرامونی بافت نزول به راهی برای فهم آنچه می گوید دست یابد و گامی فراتر از تفاسیر رایج ارائه کند.

در مقدمه این مجموعه در باب تاریخ تحولات قرآن کریم به دو طیف بیشینه گرا^{۳۳} و کمینه گرا^{۳۴} به عنوان دو سربیک طیف از محققان با رویکرد تاریخی اشاره شده است. برای نمونه دیدگاه نولدکه به عنوان محقق بیشینه گرا و معتقد به هماهنگی تاریخی قرآن با عصر حیات نبوی تحلیل شده است و از سوی دیگر محققان این مجموعه با رویکردی کمینه گرا به بررسی و تحلیل بافت و ساختار قرآن کریم در دوره تاریخی اش پرداخته اند. نمونه ای از این جریان، گیوم دی است. به باور گیوم دی متن قرآن کریم پیچیده و مرکب است و نمی تواند نتیجه فعالیت یک فرد (پیامبر اکرم (ص)) باشد، بلکه قرآن باید مجموعه ای برآمده از نصوص مختلفی باشد که بنای آن به صورت تدریجی در فضای گفتمانی تاریخی خاص (شرایط تاریخی و جغرافیایی مکه) بنیان نهاده شده است. او با دیدگاه رایج مسلمانان مبنی بر نقش بخشی ویژه به خلیفه سوم (۶۵۶/۳۵م) درباره «توحید مصاحف» مخالف است و اعتقاد دارد که بافت سیاسی و فرهنگی دوره عبدالملک مروان (۷۰۵/۸۶م) تأثیرات زیادی بر متن قرآن کریم گذاشته است. وی دو مقاله نسبتاً مفصل با عنوان «بافت و ساختار قرآن کریم» و «رسمیت یافتن قرآن کریم»^{۳۵} درباره همین موضوع نگاشته است. همچنین تحلیلی از روش های

۳۲. شبه جزیره عربستان مطابق جغرافیای سیاسی امروز شامل عربستان سعودی، یمن، عمان، بحرین، قطر، کویت و امارات است. Maximalist 33.

رویکرد بیشینه گرا برخلاف رویکرد کمینه گرا، طیف وسیع تری از گزارش های تاریخی را در تحلیل خود مبنای قرار می دهد.

34. Minimalist

۳۵. دی در این مقاله به تاریخ جمع قرآن کریم و شرح مآووقع آن دوران پرداخته است. او همچنین در این مجموعه ۲۲ سوره از قرآن

مختلف مطالعه قرآن همچون: «مطالعه نسخه‌های خطی قرآنی در غرب»، «رویکرد کودیکولوژیک»^{۳۶} به قرآن»، «رویکرد اپیگرافی»^{۳۷}، «مطالعه بافت و پیدایش قرآن» و «برداشت شیعه از تاریخ قرآن» ارائه شده است.

یکی از نکات مهم روش شناختی تحقیق در این حوزه که سرویراستاران این اثر در نهایت دقت به آن اشاره کرده‌اند، نامتقارن بودن رابطه میان «رویکرد تاریخی و رویکرد همدلانه» در تحقیق درباره قرآن کریم است. در واقع گفتمان پذیرنده دینی که در یهودیت، مسیحیت و اسلام صادق است، تلاشی برای نمایش تصویری جاودانه، متعالی و ابدی از دین است و درباره آن سخن می‌گوید. از سوی دیگر رویکرد تاریخی از موقعیت‌های موقتی، انسانی، زمینی، محلی، مشروط و متشکل از متن سخن می‌گوید. به عبارت دیگر آنچه مورخ به دنبال آن است دور از آن چیزی است که پذیرندگان رویکرد دینی از آن سخن می‌گویند. بنابراین مورخ بر ابعاد مادی، سیاق و بافت، بعد بشری و گفتمان موجود اصرار می‌ورزد و پذیرشی (پیشینی) نسبت به آن دین ندارد. این مسیر دقیقاً نقطه افتراق قرآن مؤمنان با قرآن مورخان است. به باور سرویراستاران این مجموعه «نبوت محمد (ص) که پس از رحلت وی با سرعت به سلطنت تبدیل شد، همچنان حاوی پیام‌هایی رازآلود است».

همان طور که بیان شد، ایده اصلی مجموعه «قرآن مورخان» استفاده از روش مطالعه تاریخی. انتقادی قرآن کریم از خلال گزارش‌های تاریخی اعم از کتیبه‌ها، نامه‌ها، متن قرآن کریم، نسخه‌ها و... است. بدیهی است گاه تحلیل‌های ارائه شده بر اساس این روش، با اعتقاد مسلمانان همدلانه نباشد، اما از این حیث اهمیت دارد که می‌تواند زمینه انجام تحقیقات بیشتر و همچنین دستیابی به اطلاعات تاریخی مبتنی بر فلسفه تاریخ^{۳۸} را در دسترس مخاطب معاصر قرار دهد. به باور امیرمعزی رویکرد تاریخی. انتقادی که در متون مقدس به کار رفته اختراعی از غرب است. قرن‌ها طول کشید تا این رویکرد در کتاب مقدس پذیرفته شود و در مطالعات عادی یهودیان یا مسیحیان مؤمن تبدیل به هنجار شد. جهان اسلام از این رویکرد بهره‌ای نبرده و مدت‌هاست که دانشمندان تلاش می‌کنند تا چنین رویکردی را در مطالعات قرآن وارد کنند.

وقتی از رویکرد تاریخی. انتقادی قرآن مورخان سخن می‌گوییم، به این معنی است که محقق با مجموعه‌ای غیبی و نسخه‌نهایی قرآن درگیر نمی‌شود و در این خصوص اظهار نظر نمی‌کند و اساساً آن را وظیفه خود نمی‌داند. به این منظور تمام تلاش برای مطالعه متن قرآن است و به شیوه تحول و تألیف آن، همچنان که در خصوص هر کتاب دیگری در تاریخ مدنظر است، نگریسته می‌شود. بنابراین از

کریم را که عمدتاً از سوره‌های میانی است، با رویکرد تاریخی شرح و تفسیر کرده است.

۳۶. نسخه‌شناسی.

۳۷. کتیبه‌خوانی.

۳۸. برای اطلاعات بیشتر رک به: سرتاسرائز: تأویل التاريخ العربي عند بعض المفكرين المغاربة المعاصرين.

منظر این محقق، قرآن یک سند یا گزارش یا متن بسیار مهم با ساختار و بافت تاریخی، فرهنگی، دینی و ادبی کهن است که منشأ تحولات گسترده تاریخی است. همان طور که به کتاب مقدس نیز این چنین نگریده می‌شود. از این رو همان نوع مطالعاتی که درباره کتاب مقدس انجام شده، درباره قرآن کریم نیز ساری است و از آن فراتر نمی‌رود. بنابراین ممکن است محقق در این زمینه نظراتی ارائه کند که با اعتقادات مسلمانان یک سو نباشد؛ برای مثال ممکن است فلان بخش از متن قرآن را بازنویسی شده و یک قسمت را متأثر از یک بخش از یک کتاب بدانند یا دلایلی مبنی بر اینکه برخی از جزئیات وارد شده در متن قرآن با برخی جزئیات از کتاب مقدس قرابت زیادی دارد اقامه کند یا یک قطعه، آیه یا آیات را افزوده شده در متن بدانند. آنچه اهمیت دارد این است که محقق برای ادعای خود شواهد تاریخی اقامه می‌کند و برای رد دلایل او باید شواهد تاریخی قوی تری اقامه کرد و با وجود اینکه انتقاداتی درباره روش تاریخی وجود دارد؛ نمی‌توان با رویکردی غیر از رویکرد مذکور با آن مخالفت کرد. بر اساس سنت تحقیقی رایج، این رویکرد میان مسلمانان متداول نیست و رواج نیافتن این رویکرد صرفاً به دلیل اعتقادات دینی نبوده، بلکه سابقه و سنت بلند تفسیر و تأویل مذهبی نسبت واضحی با روش تاریخی. انتقادی نشان نمی‌دهد. در هر حال هر روش تحقیق آورده خاص خود را دارد و از هر کدام نتیجه‌ای به دست می‌آید.

از این حیث، مجموعه قرآن مورخان مبتنی بر روش مذکور است و توجه بیشتری به بستر تاریخی، فکری و دینی بافتی که قرآن در آن به وجود آمده را هدف قرار داده است. در این روش بر روایات تکیه نمی‌شود و این تکیه نکردن برآمده از اندیشه شکاکانه مستشرقان متقدم به روایات مسلمانان است. البته خاورشناسان جدید آنچنان نسبت به روایات کم توجه نیستند، اما از حیث روشمندی تاریخی آنان را محصول زمان پس از پیدایش قرآن می‌دانند. بنابراین اطلاعات آن را دست‌کاری شده یا غیرقابل استفاده می‌دانند و بر این باورند که قرآن، پیام و مخاطبان آن به قبل از پیدایش آن بازمی‌گردد و روایات مسلمانان از صافی مفسران اسلامی گذر کرده و برآمده از خوانش و تفسیر عالمان اسلام است، نه محتوای اصیل قرآن. مورخ محقق بر این باور است که هر چه از نظر زمانی به زمان پدیداری قرآن نزدیک تر شود، به معنای پیام متن در آن زمان، گفتمان پدیدآمده از آن و مخاطبان آن دست خواهد یافت.^{۳۹} به باور محققان این مجموعه، قرآن به عنوان آخرین نوشتار عالی اواخر دوران باستان به شمار می‌رود که مدعی توحیدی بودن و تصدیق‌کننده پیام‌های کتب توحیدی گذشته است، اما پس از فتوحات اعراب در دوره خلفا، یک گسیختگی بنیادی از قرآن در دوره نزول پیدا کرد و به یک متن سیاسی-مذهبی مبدل شد که آنچه تا کنون از اسلام شناخته می‌شود، مربوط به این دوره به بعد است. برای مورخان، قرآن کریم یک مجموعه مرکب از متون ساختار یافته پس از رحلت پیامبر

۳۹. برای مطالعه بیشتر رک به:

است که در منابع تاریخی وظیفه گردآوری آن به یک گروه سازمان یافته اختصاص یافته است. مورخان عقیده دارند این کار توسط خود مسلمانان به رسمیت شناخته شده است و به دلیل ممنوعیت نقل روایت، ترکیبی تکه تکه و گاهی برآمده از اصطلاحات غیرعربی در آن برجسته شده و از این رو است که تصویری گلچین شده بدون ژانری خاص از آن به دست ما رسیده است. داده‌های کلاسیک مسلمانان این گونه بیان می‌کنند که نسخه رسمی قرآن نتیجه کار طولانی تدوین و تحریر است که در زمان خلفا و تحت حمایت محافل باسواد آن زمان تهیه شده است.

محتوای قرآن مورخان

چنان‌که از محتوای جلد نخست برمی‌آید، تحقیقات این بخش در زمینه «بافت و چگونگی پیدایش قرآن کریم» است. بنا بر آنچه سرپرستان این اثر متذکر شده‌اند، این مجلد درآمدی ارزشمند بر تحلیل بافت و سیاق است که قرآن کریم در بستر آن پدید آمده است. در این تحقیقات به شرایط عربستان و آنچه در آن دوران رخ داده، به طور مفصل پرداخته شده است.

در جلد اول قرآن مورخان که به متن تاریخی درباره جمع‌آوری متن قرآن اختصاص داده شده است، از همان ابتدا یک نوع روش شناختی از مسئله به وجود آمده است: قرآن قبل از اینکه کتاب باشد، بوده است و به عنوان مجموعه‌ای از پیام‌های ارسال شده از سوی پیامبر اسلام شناخته می‌شود. در خصوص چگونگی پیدایش وضعیت کنونی قرآن امروز در منابع موجود یک جواب ساده داده می‌شود که ظاهر کنونی قرآن در زمان خلافت عثمان بن عفان در قالب کتابی گرد هم آمد که تمام این پیام‌ها را گرد هم آورد و جایگاه وحی^{۴۰} را کسب کرد. با این حال تاریخ‌نگاران مسلمان قرون اول نشان می‌دهند که نگارش متن قرآن تاریخ بسیار پیچیده‌تری داشته است که تحلیل مفصل آن را می‌توان در مقاله امیرمعرزی خواند. (ص ۹۱۳-۹۵۷) این نگارش متون منتقل شده حاکی از یک انتخاب در بستر تقسیمات سیاسی و تقابل‌های مذهبی است^{۴۱} که با مداخله خلفا همراه شد.^{۴۲} در این مجموعه محققان متعددی از جمله فرانسوا دروش^{۴۳} (ص ۶۵۳-۷۰۶)، فردریک آمبرت^{۴۴} (ص ۷۰۷-۷۳۲) و گیوم دی (صفحه ۷۳۳-۹۱۸) پرسش‌های اساسی درباره ریشه‌های قرآن با توجه به روش‌ها و سؤالات اختصاصی برای هر تحقیق در حوزه ادبیات دینی مطرح کرده‌اند. محتوای به‌کاررفته شده در تحقیقات آنان به دانستن روش‌های کتابت قرآن کریم، تجزیه و تحلیل ادبی و کشف موضوعات اساسی سیاسی و دینی، امکان درک بهتر قرآن را فراهم می‌کند که زمینه‌ساز معرفی شرایط پیدایش قرآن را نشان می‌دهد

40. Comerro (V), Les traditions sur la constitution du muṣḥaf de 'Uthmān, Beyrouth/Würzburg, 2012.

41. Djaït (H), La Grande Discorde: religion et politique dans l'islam des origines, Paris, 1989.

42. Amir-Moezzi (M-A), Le Coran silencieux et le Coran parlant. Sources scripturaires de l'islam entre histoire et ferveur, Paris, 2011.

43. François Déroche.

44. Frédéric Imbert.

و محدود به کلمات قرآنی نمی‌شود. (ص ۲۹۳-۶۴۹) از همین منظر راه برای ترک چارچوب تفسیر سنتی، از نوع تاریخی. کلامی و در پیش گرفتن خوانش‌های انتقادی بر اساس یک رویکرد تاریخی باز می‌شود. (ص ۱۵۵-۱۸۲) چند مقاله از این مجموعه، تفسیرهای بسیار متفاوتی را از زمینه پیدایش قرآن ارائه می‌دهند. کریستین رُبن^{۴۵} (ص ۵۱-۱۴۵) و فرانتز گِرُونه^{۴۶} (ص ۵۸۷-۶۱۴) هر دو در تحقیق خود به رویکردی به عنوان متنی از اواخر دوران باستان که با فرهنگ غنی دینی هم‌راستا است تمایل دارند. ژان وِن ریث (ص ۴۲۷-۴۶۵) و دیوید حمیدوویچ (ص ۴۹۷-۵۴۰) که دارای رویکرد تطبیقی هستند، تلاش کرده‌اند تا نشان دهند قدیمی‌ترین ارتباطات قرآنی از منظر بلاغی نمایانگر «ارتباط قرآن با مزامیر» است. از سوی دیگر میشل تاردیو^{۴۷} (ص ۵۶۷-۴۹۵) و موریل دُپیه (ص ۵۴۶-۵۸۶) با تمرکز بیشتر بر هم‌افزایی دینی عربستان قبل از اسلام، به نوبه خود تأثیر مضاعف مسیحیت بر قرآن را ادعا می‌کنند. برخلاف تحلیل‌های پیام دینی قرآن و پیشینه چند فرهنگی آن، استفان شومیکر (ص ۱۸۳-۲۴۵) از بومی بودن متن بنیان‌گذار اسلام پشتیبانی کرده و آن را با حوزه مردم‌شناسی که تخصص اصلی وی درباره محیط انسانی پیدایش قرآن است مستند می‌کند. پژوهشی که به بافت تاریخی و جغرافیایی قرآن و آغاز پیدایش اسلام اختصاص یافته است. پرسش بنیادین و مهم این پژوهش از زندگی پیامبر با عنوان عمومی «حیات‌های محمد (ص)» است که ماحصل این تحقیق در بخش انتهایی مقاله به این نحو بیان شده است: «به نظر می‌رسد زمان ایجاد یک نقطه عطف مهم در مطالعه ریشه‌های اسلام فرارسیده است».

شومیکر از جمله پژوهشگران کمینه‌گرا در تاریخ اسلام به شمار می‌رود. مفصل‌ترین بخش این اثر، با ده فعالیت (نیمی از کل پژوهش) به قرآن با عنوان نقطه تلاقی سنت‌ها و محل تلاقی ادیان مختلف در دوره باستان پرداخته است. همچنین دیوید پاورز^{۴۸} (ص ۶۲۲-۶۴۹) با بازگشت به یک رویکرد تاریخی در فقه دوره باستان تأثیر محیط فقهی اواخر دوران باستان را در دیدگاه‌های فقهی قرآن نشان می‌دهد.

همان‌گونه که بیان شد، یکی از مقالات مهم این مجموعه به مصحف قرآنی: بافت و ساختار و مطالعه و بررسی سوره «الرحمن» پرداخته است؛ مطالعه‌ای با رویکرد کاملاً تاریخی که به عنوان یک نمونه بارز روشمندی می‌توان از آن یاد کرد و از این حیث که برای پژوهشگران پایبندی کامل به روش تاریخی را به نمایش می‌گذارد اهمیت دارد. هر چند که از نظر فنی نقایصی به این روش و استدلال‌های مربوط به آن وارد است. به باور نویسنده این مقاله، تجزیه و تحلیل بیشتر درباره سوره الرحمن می‌تواند ابعاد مختلف

45. Christian Robin.

46. Frantz Grenet.

47. Michel Tardieu.

48. David S. Powers.

یک فرایند بازنویسی از متن را نشان دهد. در این مطالعه یک سؤال جدی مطرح است که آیا باید روند ترکیب آیات این سوره را به محمد (ص) یا دایره کاتبان او منتسب کرد یا باید سناریوی جایگزین، یعنی وجود کثرت نویسندگان را بپذیریم که ممکن است پس از رحلت محمد (ص) و مستقل از او در متن قرآن مداخله کرده باشند؟

به باور نویسنده این مقاله یکی از نکات مهم در این سوره، وجود دو آیه ۷ و ۸ است که گویی با بدنه اصلی آیات این سوره تناسبی ندارد و در بافتی کیهان شناختی از آفرینش یکباره از «میزان» سخن به میان می‌آورد. او بر این باور است که دو سناریو برای این موضوع می‌توان مطرح کرد: یکی ورود این دو آیه در بدنه اصلی سوره در زمان پیامبر (ص) و دیگری مداخله پسینیان و ورود این آیات به بافت سوره الرحمن.

به باور گیوم دی سوره الرحمن و به خصوص آیات ۵ تا ۱۳ از حیث ساختاری قابل توجه است و این متن بر مزایا و زیبایی‌های خلقت الهی تأکید می‌کند:

- السَّمْسُ وَالْقَمَرُ مُجْسَبَانِ ⑤
وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ ⑥
وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ ⑦
أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ ⑧
وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ ⑨
وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ ⑩
فِيهَا فَاصَّهَةٌ وَالتَّنْحَلُّ ذَاتُ الْكَامِرِ ⑪
وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ ⑫
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ⑬

دی معتقد است سوره الرحمن وحدت قابل توجهی دارد با قافیه‌ای در -ān / -ām، آیات کوتاه و بسیار ریتمیک و آیاتی مانند آیه ۱۳ که به عنوان یک گروه گُر عمل می‌کند و در کل سوره تکرار می‌شود (مانند آیات ۱۶، ۱۸، ۲۰ و غیره).

با این حال چیزی عجیب درباره آیات ۸-۹ وجود دارد که ریتم متن را در هم می‌شکند و از موضوعی سخن می‌گوید که در این زمینه کاملاً پوچ به نظر می‌رسد. چرا در یک فقره از آفرینش الهی و فواید آن، قرآن (یکباره) در خصوص تجارت و وزن کالا سخن می‌گوید؟

برخی از مترجمان قرآن به زبان فرانسه مانند دروژ^{۴۹} در ترجمه خود پیشنهاد می‌کنند که اصطلاح *mīzān* (تعادل) نمادی از عدالت الهی است؛ (ص ۳۶۶، شماره ۵) هر چند دی معتقد است عدالت الهی در این زمینه معنای چندانی ندارد. او معتقد است این معنا از *mīzān* ممکن است در سوره شوری آیه ۱۷ یا سوره حدید آیه ۲۵ که با «انزلنا» همراه است کارایی داشته باشد. یکی از اشکالاتی که دی بردروژ می‌گیرد این است که او از توضیح اینکه چرا از این نوع تجویز اخلاقی که در بافت ستایش آفرینش الهی این سوره گنجانده شده است غافل می‌شود. محققان در مواجهه با این تغییر ناگهانی در ژانر ادبی و این شکاف در ریتم و محتوای سؤال برانگیز آن، به اصطلاحی با عنوان «درون یابی»^{۵۰} رسیده‌اند. بلاشهر یکی دیگر از مترجمان قرآن به زبان فرانسه نیز در ترجمه خود (ص ۵۶۶، شماره ۶) نشان می‌دهد که تمام قسمت‌های موجود در *mīzān* یک درون یابی است:

وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ ﴿٧﴾

أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ ﴿٨﴾

وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ ﴿٩﴾

وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنْهَارِ ﴿١٠﴾

به عبارت دیگر، به عقیده بلاشهر نیمه دوم آیه ۷ و آیات ۸ و ۹ را به دلیل نداشتن ارتباط با سایر آیات باید حذف کرد. با این حال دی با این حرف موافق نیست و معتقد است این کار منجر به افتادگی سجع یا وزن آیات می‌شود. علاوه بر اینکه به باور دی اینکه چه چیزی می‌تواند انگیزه‌ای برای افزودن چیزی در متن ایجاد کند، همچنان نامشخص است. ریچارد بل از پژوهشگران علوم و تفسیر قرآن در کتابش فرضیه هیرشفلد^{۵۱} درباره آیه ۷ را که *mīzān* به معنای وزن است، نمی‌پذیرد و آن را مرتبط با صورت فلکی که آیات در مقام بیان آن هستند تعیین می‌کند (معنایی که در جای دیگری از قرآن وجود ندارد).^{۵۲} همچنین نولدکه و شوالی نیز بر این باورند که آیات ۸ و ۹ در مرتبه دوم به متن اضافه شده‌اند.^{۵۳}

با وجود اینکه بل، نولدکه و شوالی در آثار خود به وضوح درباره دامنه اتصال آیات صحبت کرده‌اند، راه حل پیشنهادی هیرشفلد و بل سبب تعجب دی است و آن را برگرفته از این می‌داند که آن دو به دنبال معنایی هستند که با متن متناسب باشد، حتی اگر در قرآن منحصر به فرد باشد. نویسنده این مقاله بر این باور است که کاملاً واضح است ارائه یک راه حل کیهان‌شناختی می‌تواند بسیار معنادارتر

۴۹. از مترجمان قرآن به زبان فرانسوی است.

50. to insert (words) into a text or into a conversation.

به معنای درج یک کلمه در متن یا گفت و گواست.

۵۱. از مستشرقان فرانسوی زبان.

۵۲. تفسیری درباره قرآن ۲، ص ۳۳۰.

۵۳. در تاریخ قرآن، ص ۱۰۷.

از یک راه حل اخلاقی مانند وزن گیری کالها (به آیه ۶ مراجعه کنید یا سوره انعام / ۱۵۲ یا اعراف / ۸۵ یا سوره هود / ۸۴ و ۸۵) یا فرجام شناسی (کم نگذاشتن در وزن به عنوان نمادی از عدالت الهی برای نمونه شوری / ۱۷ یا حدید / ۲۵) باشد. در عوض چالش پیش رو درک این مسئله است که چرا در وضعیت آیاتی که به فلک مرتبط می شوند، این دو آیه قرار گرفته اند. با این حال برای ماوراست که مرور منابع این امکان را می دهد که معنای *mīzān* را بهتر شناخت.

دی برای ماوراست که ریشه سریانی در پس بسیاری از آیات قرآن نهفته است و برای درک بهترین آیات باید از این مسیر نگاه کرد. او به دو عبارت از سفر پیدایش^{۵۴} در تفسیر کتاب مقدس به وسیله نرسای^{۵۵} نصیبین^{۵۶} (متوفای ۵۰۲) متذکر می شود و راه حلی برای فهم بهتر «میزان» ارائه می کند:

در روز دوم [خلقت] دستور [زیر] صورت گرفت: «بگذارید یک پایه محکم شود!» و او نیمی از آب ها را برای [جهان] بالاتر و نیمی برای زمین تقسیم کرد.

باشد که این محفظه در میان آب ها به یک عنصر جامد تبدیل شود و ممکن است آب را از بالای سطح خود پشتیبانی کند تا آتش نگیرد! فرمانی که آب را محکم کرده است، یک عنصر مایع و در نهایت یک عنصر جامد که قادر به حمل آب!

ای تعادل^{۵۷} [میزان] که ذخیره بزرگ آب را تقسیم کرده و آن را به دو اقیانوس در جهان و در زیر و پایین جمع کرده است.^{۵۸}

این بخش از آفرینش خلقت فقط در کتاب های سریانی که می تواند ما را با این واژه آشنا کند بیان نشده

54. Homélie sur la Création de Narsai de Nisibe.

۵۵. یا همان اسقف مسیحی.

۵۶. نصیبین: شهری قدیمی و مرزی در جنوب ترکیه است. این شهر در استان ماردین ترکیه واقع شده و ۸۴ هزار نفر جمعیت دارد که بیشتر آنها کردند. این شهر مکان روی دادن نبرد نصیبین بوده است. شهر قامشلی که در آن طرف خط مرزی و در سوریه واقع شده در اصل ادامه شهر نصیبین است و این دو، در اصل یک شهر (میراث دار شهر باستانی نصیبین) هستند که مرز از میانشان گذشته است. امروز جمعیت قامشلی بیشتر از نصیبین شده است.

۵۷. همان وزن - المیزان در عربی.

58. Narsai, Première homélie sur la création, v. 47-56, dans Gignoux, Homélie de Narsai sur la création, p. 529 (syriaque) / p. 530 (trad. fr).

ترجمه فرانسوی این متن به شرح زیر است:

Le second jour eut lieu l'ordre [suivant]: «Q u'il y ait un firmament!» et il partagea la moitié des eaux pour le [monde] d'en haut et la moitié pour la terre.

«Que le firmament devienne un élément solide au milieu des eaux et qu'il supporte l'eau au-dessus de sa surface pour qu'il ne soit pas brûlé!» commandement qui solidifia l'eau, élément liquide, et en fit un élément solide qui puisse porter l'eau! balance [mathcal] qui partagea la grande réserve d'eau et la rassembla en deux océans dans [le monde] d'en haut et d'en bas! Comme une toiture sur la maison qui [est] au-dessous, il étendit le firmament, tel qu'il tienne lieu de terre pour la demeure qui [est] au-dessus.

است. در همین دوره زمانی کتابی دیگر به سرپایانی اثر یعقوب السروجی^{۵۹} از قدیسان کلیسای مسیحی (م ۵۲۱) هست که می‌توان نمونه‌ای درباره آن یافت:

[خدا] پایه را در روز دوم ساکن ساخت. او فرمان بادی را که برفراز دریای مواج می‌بارد، قرار داد و بین آب و آب ایستاد تا آنها را از هم جدا کند. دستور او عملی شد و او [دو آب] را از هم جدا کرد و وزن آنها را گرفت و طبق خواست خود آنها را در جای خود قرار داد. او پایه را در وسط به عنوان یک فضای دوطرفه بنا نهاد و آنها را [آب‌ها] تقسیم کرد تا آنها در دامنه مناسب خود باقی بمانند.^{۶۰}

با این حال به عقیده دی، متن نرسای تنها متنی است که در آن از مقیاس کیهان‌شناسی یاد می‌شود. این دو قدیس در سفرپیدایش بیان می‌کنند: خداوند فرمود: «بگذارید در میان آب‌ها ثبات ایجاد شود و بگذارید او آب‌ها را از آب‌ها تقسیم کند! خدا پایه را ساخت و آب‌های زیر آن را با آب‌های فوقانی جدا کرد. همین‌طور بود خداوند پایه را «آسمان» خواند».

به عقیده دی، نرسای ایده جدیدی بیان کرده است؛ ایده‌ای که در این زمینه بسیار طبیعی و درباره چگونگی جداسازی آب‌ها است. اگر آب‌ها از هم جدا شوند، تقسیم‌بندی که از طریق ایجاد محوطه صورت می‌گیرد، باید عادلانه (نیم و نیم) انجام شود و این دقیقاً به این معناست که نقشی از تعادل کیهان‌شناختی دارد: او مخزن اولیه آب را به دو قسمت مساوی تقسیم می‌کند، یکی برای دنیای آسمانی (بالاتراز پایه)، دیگری برای دنیای زمینی؛ جایی که آب برای زندگی ضروری است. این دقیقاً همان چیزی است که قرآن درباره آن صحبت می‌کند.

برای بررسی موازی میان آنچه در متن کتاب مقدس و قرآن وجود دارد، به بررسی بیشتر و مطالعه جداگانه نیاز است. بسیاری از مضامین موجود در تفسیر نرسای در این سوره از قرآن به صورت مختصر مشاهده می‌شود. بنابراین هنگامی که قرآن در آیه ۵ سوره الرحمن از حرکت خورشید و ماه به دنبال یک محاسبه دقیق (حُسابان) صحبت می‌کند، همین وضعیت در تفسیر آیات ۶۱ تا ۸۲ تفسیر نرسای مشاهده می‌شود. با این تعبیر که ماه کوچک دوره خود را در مراحل مختلف انجام می‌دهد و ماه طلوع می‌کند و دوازده درجه در ماه سقوط می‌کند. (آیات ۷۹ و ۸۰) نمونه دیگر نمایش وحدت رویه میان

۵۹. Jacques de Sarough.

60. Sarough, Homélie sur le deuxième jour, v. 32-38, dans Muraoka, Jacob of Serugh's Hexaemeron, p. 50 (syriaque) / p. 51 (trad. ang).

ترجمه فرانسوی این بخش به شرح زیر است:

[Dieu] fit le firmament, une demeure, au deuxième jour; Il commanda le vent qui planait sur la mer déchaînée, et il se tint entre l'eau et l'eau pour les séparer. Son ordre entra en action et Il les sépara [les deux étendues d'eau] et les pesa, et Il les établit à leur place selon Sa volonté. Il établit au milieu le firmament comme un espace à deux faces, et Il les sépara [les eaux] de sorte qu'elles restent dans leur domaine propre.

قرآن و متن مقدس آیه ۱۰ این سوره با تفسیر نرسای است. خداوند در سوره الرحمن توضیح می‌دهد که خدا زمین را برای انسان آفریده است؛ نکته‌ای که در آیات زیر نشان داده شده است، دقیقاً مانند تفسیر نارسای که نخستین بار این ایده را به یاد می‌آورد: (آیه ۸۳: «خداوند قبل از ساختن طول آن (آیات ۸۳-۱۱۲) یک مکان بزرگ برای زندگی انسان ساخته است»).

السَّمْسُ وَالْقَمَرُ مُجْسَبَانِ ⑤

وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ ⑥

وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ ⑦

أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ ⑧

وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ ⑨

وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ ⑩

فِيهَا فَالِكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ ⑪

وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ ⑫

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ⑬

به باور گیوم دی، متن بسیار قانع‌کننده و ماهرانه ساخته شده است؛ چنان‌که ساختار نحوی و موازی آیات ۷ و ۱۰ با تأکید بر بهشت و زمین، وقتی که آیات ۸-۹ در این متن حفظ می‌شود، با متن مقدس بسیار برجسته‌تر است.

با توجه به درون‌یابی واقع‌شده در متن باید این سؤال را پرسید که چرا آیات ۸ و ۹ به مجموعه آیات ۵ تا ۱۳ اضافه شده است؟ دی معتقد است با بررسی این مشکل می‌توان به همان توضیحات گذشته بازگشت که این آیات توسط کسی که می‌دانست معنای «میزان» در متن اصلی آن نیست اضافه نشده است؛ زیرا این اصطلاح به نحوی معنایی را ارائه می‌کند که هیچ ارتباطی با معنای کیهان‌شناسی آن ندارد. به عبارت دیگر این متن نمی‌تواند توسط نویسنده دیگری به آن اضافه شده باشد. اگر قرار بود این متن توسط شخص دیگری به آن اضافه شود، او نمی‌دانست منظور از «میزان» در اینجا چیست؟ نویسنده قرآن از واژه «میزان» در این سوره دو بار استفاده کرده است؛ یکی برای حفظ قافیه و با تأکید بر معنای دیگری از «میزان»، مانند آنچه در سوره‌های انعام/۱۵۲ و هود/۸۵ وجود دارد و دیگری در معنای وزن که در فعالیت‌های تجاری استفاده می‌شود. به این دلیل که معنای آن در بافت کیهان‌شناختی فهم نمی‌شود و حضور آن در بافتی این‌چنینی باعث تعجب و شگفتی است.

گیوم دی یک بار دیگر به صورت خلاصه دو سناریوی مطرح درباره این دو آیه را مطرح می‌کند: یکی نسخه اصلی که نویسنده‌ای با استعداد کامل ادبی و آشنا با شعر که روایت‌هایی از کتاب مقدس

نرسای راتهییه کرده است و دیگری نویسنده‌ای است که بدون آگاهی و درک از شرایط کافی و آنچه از سنت‌های مسیحی گذشته وجود دارد، این متن را در سوره گنجانده باشد. دی بیان می‌کند که گاهی اوقات گفته می‌شود که بین ظاهر قرآن و اولین تفسیرکنندگان مسلمان در درک معنای عبارات خاص یا کلمات مشخص شکافی وجود داشته است و احتمال این اقدام توسط پسینیان را نادرست برمی‌شمارد. انگیزه دی در انجام دادن این پژوهش اگرچه به پاسخ دقیقی به پرسش‌ها دست نمی‌یابد، این بوده است که در مواجهه با قرآن می‌توان نشان داد که پاسخ‌هایی که به طور سنتی به برخی از سؤالات داده می‌شوند، غالباً برآمده از نوعی جزم‌گرایی و عدم توانایی در توضیح متفاوت با نسخه سنتی است که گاه بر مبانی نسبتاً شکننده تکیه می‌کند.

کتابنامه

- Le Coran des historiens - Collectif sous la dir, Mohammad Ali Amir-Moezzi & Guillaume Dye, 2019
https://www.lepoint.fr/video/guillaume-dye-une-revolution-est-en-cours-dans-l-approche-du-texte-coranique-18-11-2019-2348084_738.php
https://www.lepoint.fr/video/guillaume-dye-une-revolution-est-en-cours-dans-l-approche-du-texte-coranique-18-11-2019-2348084_738.php
<https://www.franceculture.fr/emissions/linvite-des-matins/coran-le-regard-des-historiens>
<https://www.rfi.fr/emission/20200112-religion-islam-coran-historiens-moezzi-dye>
<https://www.lefigaro.fr/histoire/la-verite-sur-le-coran-20191115>
https://www.liberation.fr/france/2019/11/21/il-etait-une-fois-le-coran_1764826
http://orientlitteraire.com/article_details.php?cid=16&nid=7847
https://ipra.hypotheses.org/630?fbclid=IwAR0X_pTY6cqPsFSwaiQM7_Mr_4W_hrxLkyM8l77MbVf0j05HT6S_hpOj990#_ftn1

